



## به درود صفر خان به یاد مرد پایداری و مقاومت

صفرخان دیگر در میان ما نیست. رفیق قهرمان توده ای، صفر قهرمانیان، اسطوره پایداری و مقاومت که ۳۲ سال از عمر خود را در زندان های ستم شاهی در راه مبارزه بر ضد استبداد و استعمار گذاشت در سن ۸۱ سالگی درگذشت. صفرخان به سال ۱۳۰۰ شمسی در دهکده یی به نام شیشوان، در حوالی دریاچه ارومیه متولد شد. وی از همان ابتدای جوانی به صفوف فرقه دموکرات آذربایجان پیوست و فعالانه در مبارزه نیروهای آزادی خواه بر ضد فئودال ها و زمین داران بزرگ شرکت کرد. صفرخان نقش فعالی در قیام روستائیان شیشوان بر ضد فئودال ها بازی کرد و در ارتش فرقه دموکرات آذربایجان به درجه سروانی نائل آمد. در پی یورش خونین ارتش شاهنشاهی برای سرکوب

نهضت ملی آذربایجان و قتل عام وحشیانه مردم صفرخان به همراه گروهی از آزادی خواهان از مرز ایران گذشت و

ادامه در صفحه ۳



شماره ۶۴۷، دوره هشتم  
سال نوزدهم، ۲۱ آبان ۱۳۸۱

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران حزب توده ایران موج جدید خشونت و سرکوب سازمان یافته از سوی رژیم ولایت فقیه را به شدت محکوم می کند

هم میهنان هوشیار  
میهن ما روزهای بسیار نگران کننده و بحرانی یی را از سر می گذرانند. اوضاع به شدت وخیم جهانی و امکان وقوع حرکات وسیع و خطرناک نظامی در کنار مرزهای ایران که می تواند دامنه آن به کشور ما نیز کشیده شود، در کنار آغاز موج جدیدی از تهاجمات از پیش برنامه ریزی شده و سازمان یافته نیروهای ارتجاعی مدافع رژیم استبدادی حاکم و مخالف خواست های مردم و جنبش اصلاح طلبی در مجموع وضعیت بسیار بحرانی را در جامعه ما پدید آورده است. اعدام مبارزان راه آزادی در کردستان، یورش دستگیری شماری از شخصیت های سیاسی اجتماعی، از جمله عباس عبدی صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری، از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در کنار تدارک وسیع برای آغاز یورش، دستگیری و سرکوب خونین بخش هایی از

ادامه در صفحه ۶

## سرکوب خلق کرد همچنان ادامه دارد

در ادامه تحولات مهم و سرنوشت سازی که در میهن مان روی می دهد، انتشار اخبار بسیار نگران کننده برضد فعالان سیاسی وابسته به نیروهای مترقی و مردمی، فضای سیاسی ایران را سنگین تر کرده است. انتشار خبر اعدام چهار تن از اعضای حزب دموکرات کردستان، در هفته های گذشته، و امکان و احتمال انجام چنین اعمال وحشیانه در آینده، از جمله خبرهایی بود که با حساسیت و عکس العمل شدید نیروهای مترقی رو به رو گردید.

ادامه در صفحه ۲

## رژیم جهل و جنایت و یک «حکم ننگین» دیگر!

با صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری، اوضاع سیاسی کشور به شدت متشنج شد. اعتراضات پراکنده ولی اوج گیرنده دانشجویی بخش های وسیعی از دانشگاه های کشور را در بر گرفت و محافل و نیروهای سیاسی گوناگون در اعتراض به این حکم بیانیه های گوناگونی را انتشار دادند. بر اساس گزارش خبرگزاری ها و همچنین اطلاعیه یی که از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این زمینه انتشار یافت، هاشم آغاچری افزون بر حکم اعدام "به بهانه اهانت به ائمه اطهار به ۵ سال حبس در گناباد و به بهانه اهانت به علما به یک سال حبس در طیس و ۷۴ ضربه شلاق و به بهانه برهم زدن نظم و آرامش به ۲ سال حبس در زابل و به عنوان تنمیم مجازات به ۱۰ سال محرومیت از تدریس در دانشگاه" محکوم گردیده است. مهدی کروی، رئیس مجلس شورای اسلامی این حکم را "ننگین" خواند و از نمایندگان مجلس خواست تا با حفظ آرامش اجازه دهند تا سران قوم مسأله را حل کنند. کروی تاکید کرد که از "طرف خود و سایر مراجع و علما اعلام می کند که اکثریت قاطع روحانیون با این برخورد موافق نیستند." کروی سپس خطاب به خانواده آغاچری به آنها اطمینان داد که "حکم اعدام در مورد وی اجرا نمی شود و شاید بزودی او به نزد خانواده اش باز گردد."

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در عکس العمل شدیدی نسبت به حکم صادره و ضمن قرون وسطایی خواندن این حکم از جمله اعلام کرد که: "این حکم قرون وسطایی که یادآور دوران تاریک عمر بشر و عصر خردستیزی است حاصل محکمه یی است که برای یک سخنرانی آشکار در جمعی محدود و رسیدگی به اتهاماتی آشکارتر که بیش از یک ماه در هر کوی و برزن و از هر منبر و تریبونی جار زده شده، پشت درهای بسته برگزار گردید و طی آن نه دفاعیات ۱۶۰ صفحه یی

ادامه در صفحه ۶

به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر  
در صفحه ۵

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه سرکوب خلق کرد همچنان ادامه دارد . . .

بنابر اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، در روز دوشنبه ۱۵ مهر ماه سال جاری، حمزه قادری، عضو حزب دموکرات کردستان، بعد از پنج سال اسارت، از سوی مزدوران رژیم به دار آویخته شد. بر اساس اطلاعیه های دیگر از سوی این حزب، سه نفر دیگر از اعضای حزب دموکرات کردستان به نام های خالد شوقی، جلیل زیوه ای و صالح گودرزی، بعد از سال ها اسارت، اخیرا اعدام گردیده اند.

در اطلاعیه سیاسی حزب دموکرات کردستان، با اشاره به اعدام های اخیر آمده است: "از مجامع و محافل بشر دوست و طرفداران حقوق بشر می خواهد که ضمن محکوم نمودن این جنایات به منظور تامین امنیت جانی آن بخش از زندانیان سیاسی که حکم اعدام آنان صادر و یا حکم اعدام قبلی اشان مورد تایید مجدد رژیم قرار گرفته است به تلاش خیر خواهانه ای دست بزنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند تا از دست یازیدن به کشتار بیش از این زندانیان سیاسی خودداری نماید."

علاوه بر اطلاعیه های صادر شده از طرف حزب دموکرات کردستان ایران، نشریه "کردستان"، شماره ۳۵۱، مصاحبه رفیق عبدالله حسن زاده با رادیو صدای ایران را درج کرده، که حاوی نکات مهمی در رابطه با اعدام های اخیر است. رفیق حسن زاده، در پاسخ به جو تشدید فشار، خشونت و اعدام بخصوص در منطقه کردستان می گوید: "به نظر بنده سیاست سرکوب و اعمال فشار علیه قشرها و طبقات مختلف ایران، سیاست تازه ای نیست و در رابطه با جمهوری اسلامی، این نظام از آغاز تاکنون از طریق سرکوب و فشار توانسته است به حیات خودش ادامه بدهد، ولی گاهی به دلیل فشارهای بین المللی یا برای تخفیف نارضایتی های مردم فاصله ای را بین يك حمله سرکوب گرانه گذاشته است، تا حمله بعدی. آن چیزی که در این اواخر شروع شده است، تنها مختص کردستان ایران نیست. در سراسر ایران به عناوین مختلف و اتهامات مختلف مردم را دار می زند، شکنجه می کنند و به زندان می اندازند."

رهبر حزب دموکرات کردستان، با اشاره به اعدام های دیگر و امکان گسترده بودن آنها، در دلایل چنین اقدامات وحشیانه و ضد انسانی می گوید: "به نظر بنده مطابقت زمانی این حمله سرکوب و شکنجه می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از همه مهم تر زهر چشم گرفتن از مردم کردستان است، چون مردم کردستان علیرغم این همه فشار و سرکوب و ویرانی که علیه آنها به کار رفته است، تسلیم استبداد جمهوری اسلامی نشده اند. ارتجاع به هیچوجه نتوانست در کردستان برنامه هایش را آنطور که می خواست،

پیاده کند. مردم شروع به مقاومت کردند و هنوز هم ادامه می دهند."

رفیق عبدالله حسن زاده، با تشریح وضعیت بحرانی منطقه و اقدامات آمریکا بر ضد عراق، با اشاره به اینکه مردم ایران و به خصوص مردم منطقه کردستان موافق حمله احتمالی هیچ کشوری به کشور دیگر نیستند، و با اشاره به موضع گیری های این حزب در آغاز شروع جنگ عراق بر ضد ایران و در دفاع از میهن، گفت: "من فکر می کنم چون آنها خودشان می دانند با مردم ایران چه ستم هایی روا داشته اند، رفتارهای غیر انسانی را در حق مردم ایران اعمال کرده اند، به همه مردم ایران، یکایک افراد ایرانی ظنن هستند و از همین طریق می خواهند، مردم را مرعوب بکنند که ما چنین و چنان هستیم. در حالیکه يك رژیم نمی تواند به سر نیزه اعتماد بکند."

اعدام های اخیر اعضای حزب دموکرات کردستان ایران، که بنا به اظهارات فوق، امکان انجام باز هم بیشتر آنها وجود دارد، بدون شک، بدون ارتباط با تحولات حساس میهن و منطقه نمی تواند صورت بگیرد. سرکوب و اختناق جزء لاینفک سیاست های دائمی رژیم ولایت فقیه است، اما آن چیزی که رژیم در رابطه با منطقه کردستان برنامه ریزی می کند، دلایل روشن و حساب شده دیگری هم دارد. واقعیت آن است که، در مناطق مختلف ایران، به غیر از کردستان، به دلایل شرایط و وضعیت متفاوت، و عدم وجود احزاب مردمی و مترقی، رژیم با تشدید جو سرکوب، توانسته است نیروهای فعال جامعه را به نوعی مهار کند. در منطقه کردستان، به دلیل وجود احزاب مترقی، که ریشه مردمی آنها به چندین دهه می رسد، نیروهای فعال جامعه، به دلیل ضدیت و تنفر از رژیم ولایت فقیه، به سوی احزابی همچون حزب دموکرات گرایش پیدا می کنند. رژیم ولایت فقیه که در طول سال های گذشته با استفاده از ترندهای مختلف نتوانسته گسستی در این پیوندها ایجاد کند، هیچ چاره یی به جز این اقدامات وحشیانه برای خود نمی بیند. مسلما با تشدید اوضاع بحرانی میهن، و به دلیل ترس و وحشت از تشکل مردمی و مترقی همچون حزب دموکرات کردستان، اعمال چنین اقداماتی دور از ذهن نیست، و تجربه بیست و چند ساله رژیم ولایت فقیه این را ثابت کرده است. همکاری و اقدامات دسته جمعی نیروهای مترقی بر ضد چنین اقداماتی، در سطح وسیع داخلی و بین المللی، قطعاً رژیم را از ادامه برنامه های ضد انسانی اش باز خواهد داشت. حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن شدید اعدام اعضای حزب دموکرات کردستان، همدردی و تاسف خویش را از این رخداد غیر قابل جبران اعلام می دارد.

## ادامه انتخابات ترکیه . . .

سنگین خارجی به جا گذاشتند.

رهبر حزب "توسعه و عدالت"، در سخنرانی های انتخاباتی خود اعلام کرد که، ترکیه همچنان يك عضو اتحادیه اروپا و هوادار غرب باقی خواهد ماند و تغییری در سیاست های خارجی آن داده نخواهد شد. از جمله در مورد مساله حمله به عراق اعلام کرد که، این کشور در صورت تصویب سازمان ملل، به آمریکا کمک خواهد کرد. او تاکید کرد که ترکیه روابط خود با صندوق بین المللی پول را حفظ خواهد کرد، و حتی در مورد وام جدید ۱۶ میلیارد دلاری با آن به مذاکره خواهد نشست.

این حزب همانند همه نیروهای اسلامی در کشور های منطقه، با بهره برداری از معضلات اقتصادی-اجتماعی مبتلابه زحمتکشان، و بی لیاقتی احزاب سنتی، با اتخاذ شعار های انتخاباتی مردم فریب در مورد رفع بیکاری و ایجاد شرایط بهتر خدمات عمومی، بدون ارائه برنامه مدون و مشخصی برای رفورم های پیشنهادی خود، چند صباحی در قدرت خواهد بود تا که دگر باره نظامیان و یا نیروهای راست سنتی، با بهانه جویی از عملکرد ماجراجویانه اسلام گرایان، قدرت دولتی را باز پس بگیرند. دولت جدید به دلیل سنگینی بدهی های خارجی یا باید نسخه های پیچیده شده از سوی صندوق بین المللی پول را در مورد خصوصی سازی و کاهش بودجه خدمات عمومی به اجرا در آورد، و یا با اتکا به آراء مردم به تغییرات رادیکالی دست بزند، که از نظر دیدگاهی، قادر به انجام آن نیست. مشکل اساسی و اصلی دیگر، موقعیت ویژه نظامیان است که در واقع قدرت اصلی را در دست دارند. نظامیان تاکنون، چندین بار با کودتا، نیروهایی را که بر سر قدرت بودند سرنگون کردند، و در حال حاضر، تمامی مسایل مهم با مشورت نظامیان صورت می گیرد و آن ها هستند که تعیین کننده اصلی سیاست گذاری کلان اقتصادی و امور اجتماعی اند. دستگاه نظامی ترکیه، با توجه به عضویت کلیدی آن در ناتو، هوادار غرب و سیاست های آمریکا است و هر چرخشی در جهت به خطر انداختن منافع آمریکا، با مخالفت و مقاومت آن رو به رو خواهد شد.

حزب "توسعه و عدالت" در شرایط موجود نه خواست و نه توان ایجاد تغییراتی جدی در جهت منافع مردم ندارد، و آنچه که انتظار می رود، برخی رفرم های جزئی برای وارد شدن ترکیه به اتحادیه اروپا خواهد بود. بحران موجود در ترکیه نیاز به يك برنامه رادیکال در جهت تخفیف بیکاری میلیونی، قدرت بخشیدن به پول کشور و ایجاد شرایط دموکراتیک در حیات سیاسی کشور دارد، این مهم هیچ همخوانی یی با برنامه های حزب جدید ندارد، و نمی توان انتظاری جدی از آن داشت.

## به یاد افسران دلیر توده ای

ادامه بدرود صفر خان . . .

راهی عراق شد و در آنجا دستگیر و زندانی شد. پس از دو سال صفرخان از عراق گریخت و به ایران بازگشت، اما سرانجام در ۱۸ اسفندماه ۱۳۲۷ توسط گزمگان رژیم دستگیر و روانه سلول انفرادی در زندان ارومیه شد. صفرخان در سال ۱۳۲۹ در دادگاه نظامی تبریز محاکمه و به جرم قیام مسلحانه بر ضد حکومت شاه به اعدام محکوم شد. حکم صفر خان در پی روی کار آمدن دولت دکتر مصدق مورد بازبینی قرار گرفت ولی با پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد مجدداً به دادگاه نظامی عودت داده شده و به زندان ابد تقلیل پیدا کرد.

صفر خان در طول ۳۲ سال زندان با استواری و پابندی به اعتقادات خود در برابر خواست شکنجه گران برای توبه نامه نوشتن و تقاضای عفو کردن از شاه ایستاد و به نماد مقاومت خلق در برابر استبداد ستم شاهی تبدیل شد. در طول دوران طولانی زندان رفقای توده ای صفر خان در داخل و خارج از کشور دمی از تلاش برای آزادی او باز نماندند و نام صفر خان به خاطر این تلاش ها در جهان پر آوازه شد. رژیم ستم شاهی در دهه ۱۳۵۰ به دلیل تشدید فشارهای بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی و خصوصاً صفر خان تلاش زیادی را برای وادار کردن او به توبه نامه نوشتن به کار گرفت که با مقاومت صفر خان عقیم ماند. در سال ۱۳۵۶ هیئتی از سوی صلیب سرخ بین المللی برای بازدید زندان ها و بررسی وضعیت زندانیان سیاسی به ایران آمد و پس از اصرار و پافشاری زیاد توانست با صفر خان دیدار کند. صفرخان از جمله زندانیان مبارزی بود که در جریان یورش مزدوران مسلح شاه به تظاهرکنندگان خیابان ژاله و کشتار مردم بی گناه در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در همبستگی با مبارزات مردم و در اعتراض به کشتار خیابان ژاله دست به اعتصاب غذا زد. سرانجام با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، در سوم آبان ماه ۱۳۵۷، صفرخان در میان انبوه دسته های گل به همراه دیگر زندانیان سیاسی و قهرمانان خلق پیروزمند از زندان آزاد شد.

صفرخان در پیامی که پس از آزادی از زندان به نشریه آرمان، ارگان سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران که توسط جوانان توده ای و دیگر نیروهای مترقی انتشار می یافت و در دوران اسارت صفرخان نقش فعالی در کارزار بین المللی برای آزادی صفرخان ایفا کرد، فرستاد ضمن اعلام پابندی استوار خود به عقایدش از جمله نوشتن: "خوشبخت که صمیمانه ترین تبریکات خود را به نویسندگان و کارکنان این نشریه تقدیم نموده و کامیابی شما را در امر خدمت به خلق قهرمان ایران و کمک به تحقق آرمان های طبقه کارگر و مردم زحمتکش میهنمان آرزو کنم. من که تمام جوانی ام را دوشادوش مبارزین راه رهایی زحمتکشان در صفوف فرقه دموکرات آذربایجان و حزب توده ایران گذرانده ام ارزش کار بزرگ شما را به خوبی درک می کنم و اطمینان دارم که کوشش های شما جای شایسته خود را در مبارزه نجات بخش خلقمان از قید استبداد و امپریالیسم و نیز کوشش در ساختن ایرانی آزاد و آباد خواهد یافت. . . (به نقل از هفته نامه آرمان دوره دوم شماره ۱، ۱۶ اسفندماه ۱۳۵۷). رفیق صفر قهرمانیان در شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی حزب برگزیده شد و تا انتهای عمر بر سر آرمان ها و اعتقاداتش پابند ماند. درگذشت او ضایعه بی است برای همه میهن دوستان و آزادی خواهان کشور ما. حزب توده ایران درگذشت رفیق صفر قهرمانیان را به خانواده و بازماندگان رفیق صفر و به همه رفقای توده ای تسلیت می گوید. نام و پیکار صفرخان در دفتر مبارزات آزادی بخش میهن ما ثبت است.

کاروان عشقی که در بیش از شش دهه پیش آغاز به حرکت کرد، در مسیر ناهموار و دشوار خویش، لاله هایی را تقدیم این مرز و بوم کرد که گل های سرسبد همیشه زمان گردیدند. گل هایی که به خیال، هر بار و به طریقی "نابود" شدند، با ریشه زدن در جای جای این میهن پهناور، شادابی، نشاط و امید دوباره را نوید دادند و آرزوی کسانی را که در رویاهای خویش شبی تاریک و بی پایان را در سر پروراندند بودند، به یاس و غضب تبدیل کرد. و آنگاه که آرزوهای عبث خویش را با آغاز روشنایی صبحی دیگر دست نایافتنی می دیدند، سحرگاهان خونینی را تدارک می دیدند تا شاید حامیان این لاله ها را، در آرزوی عبث خویش برای پرستش شب و تاریکی، شریک کنند. خودفروختگان حقیر، به کرات و بارها بزم نابودی لاله ها را بر پا کردند، و در پایان از راز رویش دوباره این لاله ها عاجز ماندند. شکوهی که در این رهگذر، همانند یک رودخانه همیشه روان جاری بوده، برغم تمامی دشواری ها و مصایب، روح سرزندگی، پایداری و مقاومتی را نشان می دهد که پایانی بر آن متصور نیست. در این میان، حقارت پیشگان، در حالی که با صدای بلند مرغوی مرگ باز هم بیشتر را، همچون جغد شوم، عربده می کنند، رویش موج در موج دوباره لاله ها، بهاران پایداری را بشارت می دهد.

تاریخ شصت و یک ساله حزب توده ای ما، بارها شاهد چنین سحرگاهان خونینی بوده است، که در پس آن، زایشی دوباره را شاهد بوده است. ماه مهر و آبان هر سال یادآور خاطره کسانی است که با دل در گرو عشق به ملت و میهن گذاردن، ایستاده و استوار به استقبال مرگ رفتند تا درخت تنومند توده ها را در مقابل هجوم توفان ارتجاع پایداری و پابرجا، ثابت نگه دارند.

۲۷ مهر ماه ۱۳۳۳، میهن ما بار دیگر شاهد یکی دیگر از ددمنشی های حاکمان برضد فرزندان این خلق بود که گناهی جز عشق به این میهن و ملت نداشتند و دقیقاً به همین دلیل مورد کینه دشمنان مردم قرار گرفته و زیونانه آنها را آماج تیرهای استعمار و استبداد قرار دادند. سرهنگ سیامک در جواب لاطائلات دادستان رژیم شاهنشاهی، شجاعانه، در جواب، به روشنی گفت: "این را شما درست می گوید آقای دادستان، من خیانتکارم. من هر روز صبح گزارش کار اداره سررشته داری را به یک مامور بیگانه می دادم. بله، درست است. اما بر خلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها را به او بدهم."

ارتجاع در جواب به این مقاومت های ستودنی بود که تیرباران دسته جمعی آزاد مردان میهن را به مرحله اجرا درآورد. سرهنگ سیامک، سرهنگ مبشری، سرگرد عطارد، سرگرد وزیریان، سروان مدنی، سروان واعظ قائمی، سروان شفا، ستوان افراخته، مرتضی کیوان، سرهنگ وزیر و سرهنگ عزیزی، داغ کرنش در مقابل رژیم شاهنشاهی را بر دل مرتجعان گذاشته و آگاهانه همراهی با کاروان عشق را برگزیدند. پایان درماندگی رژیم وابسته به همین جا ختم نگردید، و مدتی نه چندان پس از آن، در سحرگاه ۸ آبان ۱۳۳۳، دومین گروه از افسران آزاده میهن، که تنها جرمشان توده ای بودن آنها بود، به جوخه اعدام سپرده شدند. رفقای شهید سرگرد غلامحسین محبی، سرگرد محمد رضا بهنیا، سروان کلهری، سروان مصطفی بیاتی، سروان حسین کلالی و سروان احمد مهدیان، از جمله دلاور مردانی بودند که فرصت خدمت به ملت و میهن از آنها گرفته شد.

به هنگام اعدام ددمنشانه سومین گروه از افسران آزاده میهنان، در ۱۷ آبان ۱۳۳۳، از رفیق شهید سرگرد جعفر و کیلی خواستار شدند تا از شاه تقاضای بخشش کند، که در جواب گفت: "من جانم را در راه میهن خود فدا می کنم. چطور ممکن است از شاه که او را خائن به میهن گرامیم می داند تقاضای عفو کنم؟"

رفیق، به همراه رفقای شهید سرهنگ کاظم جمشیدی، سرهنگ محمد جلالی، ستوان محمد باقر واله، سرهنگ امیر افشار بکشلو، جزو سومین گروه از افسران آزاده و توده ای، راهی را انتخاب کردند که راز ماندگاری حزبشان برای بیش از شش دهه است. در سالگرد شهادت فرزندان شایسته خلق که با نثار جان خویش این درخت تنومند را محافظت کردند عهد می بندم که ادامه دهنده راه آنها برای بهروزی و سعادت این خلق باشیم.

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی  
ایران!**



## کارگران خواهان تشکل های مستقل خود هستند

وضعیت وخیم و دردناک کارگران و زحمتکشان میهنمان، در طول سالیان اخیر، دشوار و دشوارتر شده است. هفته گذشته، فاطمه حقیقت جو، نماینده مجلس، در گفت و گویی با «اعتماد»، ۱۲ آبان، در تشریح وضعیت کارگران و زحمتکشان میهن و پیامدهای آن، اظهار داشت: «با توجه به اینکه کارگران از زحمتکش ترین اقشار جامعه هستند و اغلب متصدی کارهای سخت هستند و فشارهای زیادی را متحمل می شوند که این فشارها آوار روحی و جسمانی بسیاری را برای کارگران در پی دارد. اما از آنجایی که برخی از کارخانه ها یا در حال ورشکستگی و یا انتقال مالکیت به شخص دیگری هستند، کارگران این کارخانه ها با استرس های فراوان جسمی و روانی روبرو می شوند و عدم پرداخت حقوق و مزایای ماهیانه و گاهی محروم بودن از کمترین امکانات، موجب افزایش مشکلات این قشر می شود. حقیقت جو، در ادامه، با تأکید به این مساله که، عدم توجه به مطالبات به حق کارگران ابعاد اجتماعی، سیاسی و امنیتی پیدا می کند، گفت: «بنابراین شایسته است نهادهای صنفی کارگری و دولت جدی وارد عمل شوند و کارفرمایان را وادار به پرداخت مطالبات کنند. اگر امروز به این موضوع توجه کافی نشود ممکن است زمینه بحران های اجتماعی بعدی باشد. در واقع برآورده نشدن نیازها، کارگران زحمتکش را به اعتراض نسبت به وضع موجود می کشاند و همانطور که اشاره کردم اگر به این تجمعات توجه نشود به لحاظ اجتماعی، سیاسی و امنیتی می تواند مخاطرات جدی در بر داشته باشد. ما بر خلاف نظر فاطمه حقیقت جو، که تجمعات اعتراضی کارگران و زحمتکشان را مخاطره محسوب می کند، معتقدیم که، بر عکس نظر مذکور، ادامه و گسترش چنین اعتراضاتی به حفظ منافع ملی و کارگران و زحمتکشان کمک می کند. مشکلات عمده موجود بر سر راه کارگران نه اخراج های بی رویه توسط کارفرمایان به تنهایی، بلکه اجرای برنامه های اقتصادی است که توسط جناحین حکومتی اجرا گردیده و باعث فقر و فلاکت میلیون ها نفر از زحمتکشان میهن گردیده است. صرف نظر از موارد ذکر شده، مساله مهم دیگر این است که حقیقت جو در این گفت و گو از نهادهای موجود به ظاهر کارگری خواستار چاره یابی مشکلات عدیده کارگران گردیده است. نقش و جایگاه نهادهایی که در ظاهر برای احقاق حقوق کارگران ایجاد شده و در واقع امر بازوی اجرایی حکومت برای ضایع کردن حقوق کارگران است، بر هیچ کس پوشیده نیست. همزمان با این اظهارات، هفته گذشته، در جریان دیدار هیئتی از سازمان بین المللی کار، گزارشی از این هیئت انتشار یافت که حاوی نکاتی جالب در باره تشکل های موجود به ظاهر کارگری است. به گزارش روزنامه حیات نو، ۱۸ آبان، در گزارش این هیئت از جمله آمده است: «بر اساس بحث هایی که با شرکای اجتماعی در ایران به عمل آمد، برای تیم سازمان بین المللی کار محرز شده که در نقش نهادهای مختلف نمایندگی کارگری در سطح واحد کار، تداخل و مشترکات بسیار گسترده ای وجود دارد. . . . در ادامه این گزارش، با این توضیح که انجمن هایی در ظاهر امر همانند شوراهای اسلامی کار به محض آنکه به ثبت می رسند، نمایندگی تمامی کارگران مربوطه را داشته و در روشی مشابه با روش شوراهای کار، با کارفرما به بحث و گفت و گو می پردازد، تصریح شده است: «هیچ کس نمونه ای از یک توافق واقعی دسته جمعی در محیط کار یا در سطح آن بخش، ارائه نمی دهد. بر اساس قسمتی دیگر از این گزارش، تمام شرکای اجتماعی، بر این خواسته بودند که نهاد کارگزار کارگری به صورت مستقل و آزاد از مداخله نهادهای دولتی تشکیل، و فعالیت کند، و از مدیریت واحد نیز مستقل باشد. در گزارش مذکور، در رابطه با نقش شوراهای اسلامی، آمده است: «در عین حال که بدیهی است شوراهای اسلامی کار، نقش مهمی در روابط کار در طول دو دهه اخیر ایفا کرده اند، ولی هیئت بر این عقیده است که، شوراهای بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آنها، نمی توانند نقش آزاد و مستقل کارگری، به طور کامل ایفا کنند.»

گزارش در ادامه با ذکر ادعاهای «خانه کارگر» مبنی بر ثبت هفت اتحادیه صنفی در درون خانه کارگر، می نویسد: «فقط ضرورت ثبت رسمی، همچنان که در مقررات جاری در چارچوب قانون کار در مورد تشکل های صنفی اعمال می شود، از دیدگاه های دستگاه های نظارتی سازمان بین المللی کار مغایر با مفاد

مقاوله نامه شماره ۸۷ قلمداد نشده است، و در چارچوب بحث های انجام شده با شرکای اجتماعی، در مورد شفاف نبودن وضعیت سازمان های کارگری که در دستگاه های مختلف دولتی به ثبت رسیده اند، هیئت مشاوره ای، تنها دستگاه ذی ربط را برای ثبت نهادهای کارگری و کارفرمایی، وزارت کار و امور اجتماعی می شناسد که این امر باید در قانون یا مقررات مربوطه تصریح شود. در قسمتی دیگر همچنان آمده است: «باید قانونی وجود داشته باشد که به طور صریح فعالیت های سیاسی را ممنوع کند و در عین حال رهبران اتحادیه های صنفی، همانند سایر شهروندان، بتوانند عقاید سیاسی خود را ابراز کرده و برای نهادهای کارگری، عرصه ای برای اعتراض برضد سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت، وقتی که مغایر با منافع کارگران باشد، فراهم کند و با اصول و استانداردهای انجمن مطابقت داشته باشد.» به دنبال گزارش هیئت مشاوره ای سازمان بین المللی کار، خانه کارگر در واکنش به آن، پاسخی را منتشر کرد که در آن، ضمن رد مندرجات این گزارش، سعی گردیده واقعیت های موجود در عرصه کارگری میهن را به تضادهای موجود در بین جناحین حکومتی تقلیل دهد. به گزارش ایسنا، ۱۸ آبان، در قسمتی از پاسخ مذکور آمده است: «گزارش مذکور با وجود اینکه توسط برخی دست اندرکاران وزارت کار تهیه گردیده، نشانگر این معناست که ضروری است ساز و کار لازم برای بهبود روند تشکیل و فعالیت شوراهای از قبیل اصلاح قانون شوراهای در بخش هایی که نوعی حق مداخله برای دولت یا کارفرما قایل شده، فراهم شود.» و در ادامه از نمایندگان «کارگران» در مجلس و وزارت کار می خواهد طرحی جهت عدم مداخله دولت و کارفرمایان در تشکلات تهیه کند تا نقایص منتشر شده در این گزارش مرتفع شود. خانه کارگر با انتقاد از هیئت سازمان بین المللی کار، مبنی بر عدم ملاقات با مسئولین خانه کارگر، می نویسد: «فعالیت های صنفی در قالب خانه کارگر و فعالیت های سیاسی کارگران در قالب حزب اسلامی کار جلوه می نماید. معرفی این دو مجموعه و فراهم آوردن این دو امکان یعنی ملاقات با مسئولان خانه کارگر و حزب اسلامی کار می توانست در تنویر افکار و آذهان کارشناسان سازمان بین المللی کار یا سایر افراد متمر ثمر باشد.» پاسخ خانه کارگر در انتقاد از گزارش مذکور، که در آن ارزیابی مثبتی از تشکیل انجمن صنفی روزنامه نگاران ارائه شده است، آورده است: «کافیست کارشناسان سازمان بین المللی کار بدانند که این تشکل صنفی ایده آل سه عضو از پنج عضو اصلی هیئت مدیره اش نماینده مجلس می باشد و چهار عضو این مجموعه اعضای اصلی یک حزب سیاسی کشور هستند که اینها نشانگر عدم ارائه اطلاعات کافی توسط دعوت کنندگان این گروه مشاوره ای می باشد.» همانطور که در بالا متذکر گردیدیم، علیرغم واقعیت های موجود، سعی گردیده این معضل محدود به اختلافات در سطح بماند اما از ریشه یابی مساله با روش موزدینه طفره رود. تأکید دوباره خانه کارگر مبنی بر نمایندگی این تشکل برای خواسته های صنفی کارگران و حزب اسلامی کار به عنوان نماینده سیاسی کارگران به خوبی و روشنی نقش مخرب این تشکل زرد و ضد کارگری را برای سد کردن خواسته های کارگران نشان می دهد. فارغ از اینکه گزارش هیئت سازمان بین المللی کار تحت تاثیر ارگان های دولتی نوشته شده است یا نه، محتویات گزارش به خوبی نشان می دهد که تفکری نیرومند در بین کارگران و زحمتکشان وجود دارد که خواستار ایجاد و برپایی تشکل های مستقل از میان خود آنهاست تا در برگیرنده حفظ منافع آنها در تحولات گوناگون باشد. حتی اگر این ادعای خانه کارگر را که، انجمن صنفی روزنامه نگاران ساخته و پرداخته کارفرمایان و یک حزب دیگر هستند را بخواهیم قبول کنیم، این واقعیت را که آنها در هر صورت نمی توانند نمایندگان کارگران باشند، منتفی نمی کند. جوابیه مذکور و مخالفت با انجمن صنفی روزنامه نگاران از یک طرف، و حمایت از جریان معلوم الحالی همچون حزب اسلامی کار به عنوان نماینده سیاسی کارگران از طرف دیگر، به خوبی نشان می دهد که مرتجعان حاکم با چه حساسیتی نسبت به ایجاد و برپایی تشکل های واقعی کارگری برخورد می کنند.

ایجاد و برپایی چنین تشکل های بی محتوا یا، دقیقاً بر پایه تغییر دادن چهره واقعیات جامعه کارگری بنا گردیده است. دست اندرکاران مزبور، به دلیل همین تفکر نیرومند در جنبش کارگری، سعی می کنند گزینه از پیش انتخاب شده خویش را به کارگران تحمیل کنند. مسایل اخیر در رابطه با جنبش کارگری فرصت خوبی است تا فعالان جنبش کارگری را در حرکت به سوی سازمان دهی تشکل های مستقل کارگری بیش از پیش به تحرك و فعالیت وادارد. خواست و نیاز جنبش کارگری به ایجاد و برپایی تشکل های مستقل کارگری، در راه برون رفت از وضعیت وخیم فعلی، حرکتی ضروری و غیر قابل انکارند.

## به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

در جنگ عمدتاً در نتیجه مقاومت و مبارزه قهرمانانه ارتش سرخ بود. چهارم پنجم جنگ در جبهه های اروپای شرقی صورت گرفت، جایی که بر طبق خاطرات وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلستان در دوره جنگ، ارتش سرخ شوروی شکم ماشین جنگی نازی را از هم درید.

جنگ برای اتحاد شوروی به قیمت از دست دادن جان ۲۶ میلیون نفر، ۷۰۰۰ روستا و ۲۰۰۰ شهر و صدها هزار تأسیسات صنعتی تمام شد.

بر رغم تمام این ها اتحاد شوروی از طریق مالکیت عمومی و اقتصاد برنامه ریزی شده، توانست به يك ابرقدرت تبدیل شود. در فاصله بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۸۰، میزان تولیدات صنعتی اتحاد شوروی بیشتر از ۷ درصد در سال یعنی حتی با محافظه کارانه ترین تخمین های سیا — دو برابر نرخ رشد در آمریکای سرمایه داری، افزایش یافت. بر رغم تحریکات و حشیانه امپریالیسم در کره و ویتنام، اتحاد شوروی، با کمک جنبش جهانی صلح، همچنین قادر شد که سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بر جنگ افروزان ناتو و ایالات متحده تحمیل کند. البته ما معتقدیم که، میراث انقلاب اکتبر و تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اروپای شرقی را، با درکی انتقادی بررسی کنیم. انحراف های نا بخشودنی از اصول پایه ای سوسیالیسم علمی، به خصوص در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، تاریخ سوسیالیسم را لکه دار کرده است. حاشا کردن و یا بی اهمیت شمردن شواهد این خلاف ها و تحریف ها، هیچ گونه اعتباری به کمونیست ها نمی دهد. در حقیقت، عدم برخورد پایه ای به تبعات این انحراف ها و تداوم سیستم فرماندهی بوروکراتیک در اقتصاد، و در جامعه شوروی به طور کل، به رکود و سپس خیانت و سقوط دوره گورباچف منتهی شد. تجربه فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی، به خوبی نشان داد که، سوسیالیسم و روابط تولیدی آن، به يك طبقه کارگر عظیم و دموکراسی توده ای نیاز دارد، و نه به حکومت بر پایه اعمال قدرت فرماندهی حزبی که ساختار های آن از دولت قابل تمیز نیست. در نتیجه شکست سوسیالیسم و اعاده سرمایه داری در اتحاد شوروی سابق از دهه ۱۹۹۰، زندگی و رفاه میلیونها کارگر و کارمند بازنشسته و مردم زحمتکش نابود شده است. جامعه بی که تا اواخر دهه ۸۰ میلادی با مشخصه اشتغال، مسکن و امنیت عمومی برای همه تعریف می شد، اکنون مورد تهدید بی خانمانی، بیکاری وسیع، و همه نوع تبهکاری است. کاهش متوسط عمر به میزان ۸ سال در روسیه سرمایه داری، از زمان شکست سوسیالیسم تاکنون، در يك جامعه مدرن بی سابقه بوده است. با وجود این، شکی نباید داشت که خلق های روسیه و دیگر کشورهای اتحاد شوروی سابق، دوباره برخوانند خاست. هنوز میلیونها نفر از دستاوردهای تاریخی انقلاب بلشویکی الهام می گیرند. میراث انقلاب اکتبر، امروز در دست های توانای جنبش کمونیستی بین المللی، که مبارزه ده ها حزب کمونیست و انقلابی، برای جهانی آزاد از هر نوع محرومیت و استثمار به هم مرتبط می کند، به پیش برده می شود. از پرتغال تا نپال، از کلمبیا تا جمهوری چک، احزاب کمونیست در شرایطی متفاوت، در کارزاری عظیم، برای ایجاد شرایط لازم برای ساختمان سوسیالیسم درگیر مبارزه اند. کمونیست ها قدرت دولتی را در چین، کوبا، ویتنام و جمهوری دموکراتیک خلق کره در دست دارند، و در چندین کشور از جمله در آفریقای جنوبی، در دولت حضور دارند. همه احزاب کمونیستی، در صدد انجام وظیفه حیاتی تدوین استراتژی انقلاب سوسیالیستی، رهبری مبارزه طبقه کارگر و جنبش ترقی خواهانه اند. ما هنوز هم از جامعه بی که بر مبنای تعاون و مالکیت مشترک و رفاقت ساخته شده است الهام می گیریم. وقتی در رابطه با اثر طولانی مدت انقلاب فرانسه، ۲۰۰ سال بعد از انجام آن، بر روند تاریخ جهان، از رهبر کمونیست چین، چوئن لای، سؤال شد، او جواب داد: "هنوز خیلی زود است که حرف آخر گفته شود."

توده مردم پاریس، در ۱۷۸۹، به زندان باستیل یورش بردند، درست همان طوری که کموناردها (اشتراکیون) — به بیان مارکس — در ۱۸۷۱ "به دروازه های بهشت یورش بردند." آنچه که ما می توانیم به آن مطمئن باشیم این است که، دیر یا زود، مردم بر ضد بی عدالتی و ظلم برخوانند خاست. کارل مارکس، ۱۵۰ سال قبل، گفت که بدبختی واقعی به باور او، "تسلیم و گردن نهادن" است. به همین سبب است که کمونیست ها، سوسیالیست ها و ترقی خواهان هر کشوری، سالگرد یورش به کاخ زمستانی تزار، در اکتبر سال ۱۹۱۷، را جشن می گیرند. انقلاب اکتبر مثال برجسته و مشخصی از این حقیقت است که، چگونه طبقه کارگری تواندها را تغییر بدهد.

شانزدهم آبان (هفتم نوامبر)، مصادف با سالگرد انقلابی است که وقوع آن در ابتدای قرن بیستم، نشانه هایی محو ناشدنی بر جهان گذاشت. هستند آنانی که می پرسند: چرا ۸۵ سال پس از این رخداد و با توجه به شکست ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی هنوز ما سالگرد انقلاب بلشویکی را جشن می گیریم؟ ساده ترین و قدرتمند ترین پاسخ این است که، انقلاب اکتبر نشان دهنده توان طبقه کارگر برای به دست گرفتن قدرت، پایه ریزی يك جامعه مدرن و اداره آن بدون وجود طبقه استثمارگر سرمایه داری است.

در آغاز قرن بیستم، روسیه يك کشور نیمه فئودال — نیمه سرمایه داری، و در مرکز امپراتوری تزار نیکولا بود. در فوریه ۱۹۰۵، دیکتاتوری وحشیانه زمین داران بزرگ، کشیشان فاسد، پلیس و ژنرال ها، انقلاب قهرمانانه زحمتکشان و طبقه کارگر را در هم کوبید. همزمان با غرق شدن امپراتوری روسیه در خلال جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ — ۱۹۱۸) در فساد دستگاه سلطنت و شکست فاجعه بار ارتش، میلیون ها سرباز روستائی جبهه های جنگ با خصم پروسی را ترک کردند. در انقلاب فوریه ۱۹۱۷، در حالی که سیاستمداران نوید لیبرال و اشراف برای بدست گرفتن کنترل کشور به عزل تزار گردن نهادند، کارگران و سربازان شوراهای کارگری را به مثابه مراکز قدرت رقیب احیا کردند. عدم موفقیت کرنسکی، نخست وزیر سوسیال دموکرات، در انجام تعهداتش مبنی بر انجام انتخابات پارلمانی و پایان بخشیدن به جنگ، شرایط سیاسی را برای يك انقلاب دوم ایجاد کرد.

بلشویک ها، به رهبری لنین، و متحدانشان، با اعلان شعار صلح، نان و زمین، در اکتبر، قدرت را به دست گرفتند، و قرارداد صلحی را منعقد کردند. بیشتر احزاب سوسیال دموکرات و کارگر عضو بین الملل سوسیالیستی، تعهداتشان را در مورد جلوگیری از يك جنگ جهانی بین قدرت های امپریالیستی زیر پا گذاشتند. موقعی که لنین شنید که اکثریت نمایندگان سوسیال دموکرات آلمان، نمایندگان قدرتمندترین حزب کارگری در جهان، به حمایت از جنگ رأی داده اند، گفت: از امروز به بعد، من دیگر سوسیال دموکرات نیستم و يك کمونیست می شوم. به زودی در ده ها کشور جهان احزاب کمونیستی که عضویت بین الملل کمونیستی را قبول کرده بودند، تشکیل شدند. دولت نوپای سوسیالیستی در روسیه برای غلبه بر عواقب سالها جنگ داخلی، قحطی، فساد و محاصره غرب تقلا می کرد. بر رغم همه این دشواری ها، سیاست یاری به خلق ها در جهت داشتن يك فرهنگ مکتوب و حدی از خودمختاری، از طرف دولت شورا ها دنبال شد. زنان با گسستن زنجیر های اسارت قرنهای بندگی، بر طبق قانون، به عنوان شهروندان مساوی شناخته شدند. هفده ارتش خارجی از کشورهای امپریالیستی، در تلاش برای اعاده حاکمیت سرمایه، قلمرو شوروی را مورد تجاوز قرار دادند — جنایتی که کتابهای تاریخ در کشورهای سرمایه داری در مورد آن سکوت محض در پیش گرفته اند. در کتابخانه یادبود مارکس، در لندن، پوستری وجود دارد که نشان می دهد که لنین از سربازان انگلیسی در مورمانسک می خواهد که به رفقای روسی خود شلیک نکنند. عقب نشینی تاکتیکی ولی ناگزیر لنین از بازسازی سوسیالیستی، در اتخاذ سیاست نپ، سیاست نوین اقتصادی، زمینه را برای يك تهاجم تازه توسط جانشین او آماده کرد. کشاورزی و دیگر بخش های کلیدی اقتصاد به مالکیت تعاونی و ملی در آمدند. از ۱۹۲۸، برنامه های ۵ ساله و صنعتی کردن، شگفت انگیزترین دگرگونی جامعه را در طول تاریخ ایجاد کردند. در طول ده سال، اتحاد شوروی از يك جامعه عقب افتاده، نیمه باسواد و هنوز وسیعاً دهقانی، به يك جامعه پویا، صنعتی و فرهنگی، با خدمات بهداشتی و آموزشی رایگان برای همه تبدیل شد.

دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی جامعه سوسیالیستی در روسیه، در عرض يك دهه، بیشتر از آن چیزی بود که جوامع سرمایه داری مثل بریتانیا توانسته بودند در طول ۲۰۰ سال، حتی بر پایه بهره گیری از غنیمت های بردگی و امپراتوری وسیع استعماری خود، به دست آورند. اتحاد شوروی مشعلی فروزان را برای خلق های مظلوم و استثمار شده در سراسر جهان روشن کرد. مردم شوروی تا حد توان خود همبستگی با طبقه کارگر و جنبش های آزادی بخش ملی را گسترش دادند.

خلق شوروی همچنین با مقاومت در مقابل فاشیسم آلمانی، در جنگ جهانی دوم، قهرمانانه ترین و اساسی ترین وظیفه را در تاریخ انجام دادند. برخلاف فیلم های هالیوود و کتابهای درسی مدارس کشورهای سرمایه داری، شکست فاشیسم

## ادامه رژیم جهل و جنایت و یک ...

گرفته باشد و بنابراین باید صدور این حکم را به مثابه اولتیماتومی جدی از سوی مرتجعان حاکم بر ضد اصلاح طلبان ارزیابی کرد. بر خلاف تبلیغاتی که از سوی برخی محافل صورت می گیرد نمی توان این حکم را کار یک نفر قاضی تند رو و بی خبر از عواقب شدید سیاسی این حکم ارزیابی کرد. همچنان که تجربیات سال های اخیر بدفعات اثبات کرده است تصمیم گیری های سرکوبگرانه همواره در عالی ترین سطح رهبری رژیم سازمان دهی می گردد و سپس به مرحله اجرا گذاشته می شود. آنچه روشن است این حقیقت است که این حرکت با هدف مشخص شلیک نخستین تیر در روندی است که می تواند انتهای آن سرکوب خونین و خشن بخشی از نیروهای جبهه دوم خرداد را به همراه داشته باشد.

در شرایط حساس کنونی حرکت واحد اعتراضی همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه بر ضد این اقدامات سرکوبگرانه مرتجعان حاکم در کنار بسیج نیروهای اجتماعی برای مقابله با حملات آتی رژیم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه سال های اخیر به دفعات نشان داده است که می توان با حرکت مشترک و اتحاد عمل ارتجاع را به عقب نشینی وادار کرد. عقب نشینی در مقابل خواست های ارتجاع حاکم تنها به تشدید و گسترش روند سرکوب اصلاحات و نیروهای مدافع اصلاحات منجر خواهد شد.

## ادامه اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

جبهه دوم خرداد، همگی بخشی از یک استراتژی واحد برای یک سره کردن روند اصلاحات و تأمین ادامه حیات رژیمی است که ادامه آن با بحران جدی روبه رو شده است.

صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری، به جرم بیان نظراتی مخالف اعتقادات قرون وسطایی تاریک اندیشان حاکم و سپس محاکمه فرمایشی او در دادگاه تفتیش عقاید دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه از جمله اعمال سیاه و جنایتکارانه بی است که در طول تاریخ رژیم ولایت فقیه به دفعات تکرار شده است. مردم میهن ما فراموش نکرده اند که در سال های گذشته هرآنگاه که رژیم خود را با موج اوج گیرنده مخالفت توده ای رو به رو دیده است با اتکا به اهرم "قانون" و دستگاه قضایی عمیقا فاسد و وابسته به نهاد های سرکوبگر انسان های مبارز و آزادی خواه را به زندان های طویل المدت و اعدام محکوم کرده است. صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری در سال ۱۳۸۱، بدون هیچ پایه قضایی در واقع ادامه همان شیوه و عملکرد جنایتکارانه بی است که به دستگاه سرکوبگر قضایی رژیم ولایت فقیه اجازه داد تا در تابستان ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی مبارز و آزادی خواه را در "دادگاه هایی" که تنها چند دقیقه به طول انجامید به اعدام محکوم کنند و سپس در یکی از بزرگ ترین کشتار های سیاسی تاریخ معاصر میهن ما در ظرف چند هفته قتل عام کنند. همان طوری که سکوت بخش هایی از نیروهای سیاسی کشور ما در آن روزها به فاجعه بی ملی تبدیل شد سکوت امروز نیز می تواند عواقب فاجعه باری برای جنبش مردمی و روند اصلاحات در میهن ما به همراه داشته باشد. حزب توده ایران اوج گیری موج جدید سرکوب و ارباب در میهن ما را به شدت محکوم می کند و از همه نیروهای انسان دوست و مترقی در ایران و سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را بر ضد این تعرضات بلند کنند. اعتراض وسیع سازمان یافته مردمی با شرکت و حضور نیرومند نیروهای اجتماعی یگانه راه مطمئن به شکست کشاندن نقشه های مرتجعان حاکم برای به شکست کشاندن جنبش مردمی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ آبان ماه ۱۳۸۱

متهم در دفاع از خود در برابر افتراها و تهمت ها و هتاکی های ناجوانمردانه مطرح شده از تریبون های رسمی و غیررسمی اجازه انتشار یافت این اعلامیه در ادامه می افزاید: "تقارن عجیب، عبرت آموز و نمادین صدور حکم اعدام علیه دکتر سیدهاشم آغاچری دانشجوی خط امام ۲۳ سال پیش همزمان با دستگیری همرزم وی مهندس عباس عبدی به اتهام جاسوسی برای آمریکا در ایام بزرگداشت ۱۳ آبان، سالگرد تسخیر لانه جاسوسی و یکی از صحنه های تراژدی تلخ و غمباری است که در بیست و چهارمین سالگرد انقلاب به تماشای آن نشسته ایم. قاعدین دیروز که حتی یک اطلاعیه یا موضع گیری در حمایت از امام و انقلاب در کارنامه گذشته خود ندارند امروز به دفاع از اسلام و ارزش های انقلاب و ستیز با آمریکا گریبان چاک می دهند و یاران و فرزندان امام و مجاهدین دیروز یا به حاشیه رانده می شوند و یا روانه زندان و یا محکوم به اعدام. صدور حکم اعدام برای هاشم آغاچری، در هفته گذشته در کنار تهاجم وسیع و سازمان یافته سیاسی، تبلیغاتی و امنیتی بر ضد برخی از چهره های به نام جبهه دوم خرداد نشان گر آغاز مرحله جدید در نقشه مرتجعان حاکم برای یکسره کردن کار روند اصلاحات در میهن ماست. ما قبلا هم اشاره کرده بودیم که با تقدیم لایحه اختیارات رئیس جمهوری (که در روزهای اخیر به تصویب اکثریت قاطع مجلس رسید) در کنار لایحه نظارت استصوابی و همچنین تهدید اصلاح طلبان به خروج خاتمی از حاکمیت در صورت عدم موفقیت او در مقابل شورای نگهبان در مجموع وضعیت جدیدی را در برخورد های درون جناحی ایجاد کرد. رهبری نیروهای جبهه دوم خرداد در مقابل بسته شدن همه راه های پیش رویش و تن ندادن مرتجعان حاکم به هیچ یک از خواست های دولت خاتمی در زمینه تخفیف حداقل فشارهای خفه کننده سیاسی، خود را در بن بست دشواری یافت که خلاصی از آن محتاج برخورد هایی متفاوت از عملکرد مآشات طلبی و تسلیم طلبی های گذشته، بود. تقدیم لایحه اختیارات ریاست جمهوری و همچنین نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات، بررغم همه فشارها و تهدید های مرتجعان حاکم برای عدم مطرح شدن آنان، رژیم ولایت فقیه را در یکی از عرصه های مهم سیاسی به چالشی ناخواسته کشاند. این چالش عملا بار دیگر مسأله حاکمیت سیاسی و تمرکز قدرت اجرایی در دست یک نفر، به عنوان ولی فقیه، و یا نهاد زیر نفوذ او را، در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داد و اثبات کرد که تنها در صورت تغییر این وضعیت است که می توان روند اصلاحات را حتی در چارچوبی کاملا محدود ادامه داد.

اعلامیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در ارزیابی مشابهی در این باره از جمله نتیجه می گیرد که: "اگر خاتمی در دوره اول رئیس جمهوری خود هر ۹ روز با یک بحران مواجه بود امروز هر روز شاهد بحران سازی هستیم. تشدید بحران ها پس از آغاز رسیدگی مجلس شورای اسلامی به لوایح تقدیمی رئیس جمهوری به وضوح از تلاش های مستمر برای برخورد با رئیس جمهوری خبر می دهد. هدف از تشنج آفرینی های مستمر چیزی جز ارباب اصلاح طلبان و وادار کردن رئیس جمهوری به پس گرفتن لوایح تبیین اختیارات رئیس جمهوری و اصلاح قانون انتخابات و دست برداشتن خاتمی از پیگیری تعهداتش در قبال ملت و انصراف مجلس از تصویب آن نیست."

با آغاز یورش وسیع و همه جانبه نیروهای ارتجاعی بر ضد شخصیت های جبهه دوم خرداد به نظر می رسد که مدافعان استبداد و ارتجاع به این نتیجه نسبتا قطعی رسیده اند که دوران همزیستی مسالمت آمیز با حداقل بخش هایی از نیروهای جبهه دوم خرداد و خصوصا بخش هایی از رهبری آن به سر رسیده است و باید با رجوع به همان شیوه های امتحان شده گذشته، یعنی سرکوب خشن و خونین مخالفان و با تحمیل جو رعب و وحشت به جامعه، مردم و نیروهای مدافع اصلاحات را مرعوب و وادار به سکوت کرد. صدور حکم اعدام برای آغاچری، با توجه به حساسیت این امر نمی توانسته است بدون مشورت همه جانبه رهبری جناح ذوب در ولایت و شخص ولی فقیه صورت



## ادامه بحران اقتصادی در جهان!

-امور اجتماعی

ایجاد ده میلیون فرصت شغلی، افزایش دستمزدها، تضمین حداقل حقوق، مبارزه با گرسنگی و فقر، بهبود آموزش، بهداشت و بازنستستگی.

- امنیت

ایجاد سیستم امنیت عمومی هم آهنگ در سطح ملی و افزایش تعداد پلیس فدرال.

-امور بین المللی

"لولا" خواهان تقویت قرارداد مرروسوراز طریق به کارگرفتن سیاست های پولی مشترک است. در رابطه با قرارداد منطقه تجارت آزاد آمریکا، که شدیداً مورد نظر ایالات متحده است، حزب کارگران برزیل معتقد است که، در صورت پافشاری آمریکا در سیاست حمایتی خود از تولید کنندگان داخلی و اعطای سوبسید به آنان، این موافقت نامه نمی تواند متحقق شود. رئیس جمهوری جدید برزیل، خواستار همکاری نزدیکتر با قدرت های منطقه ای (آفریقای جنوبی، هند، چین و روسیه)، با هدف تقویت روند دموکراتیزه کردن روابط بین المللی، و نیز رابطه با سازمان هایی مانند "صندوق بین المللی پول"، "سازمان ملل" و "سازمان تجارت جهانی" است.

متحدان حزب کارگران

نزدیک ترین متحدان حزب کارگران را حزب کمونیست برزیل و حزب کمونیست های برزیل و "جنبش دهقانان بی زمین" تشکیل می دهند. حزب کارگران همچنین با جریان دیگری که خود را "حزب سوسیالیست توده ای" برزیل معرفی می کند و مورد حمایت الیکاری سنتی کشور است، ائتلاف دارد. رهبر این حزب، "سیرو گومز"، فعالیت خود را با احزاب راست افراطی آغاز کرد، سپس به احزاب میانه متمایل شد و سرانجام حزب سوسیالیست را تشکیل داد. این حزب، پس از جدا شدن تعداد قابل ملاحظه ای از اعضای حزب کمونیست های برزیل، توانست با بگیرد. مطلب مهم دیگری که لازم به تذکر است این است که، حزب کارگران، "خوزه آلنکار"، یک سناتور حزب لیبرال، رهبر یک سازمان کوچک دست راستی را به عنوان معاون ریاست جمهوری در نظر گرفته است. این شخص، نماینده صاحب اقتدار صنایع نساجی کشور است. قبل از دور دوم انتخابات، او اظهار داشت که، انتخاب لولا هیچ گونه عدم اعتمادی را به وجود نخواهد آورد، و افزود که، سرمایه داری برزیل از لولا شده است، و اینکه آن ها چه امید هایی در سر دارند، مورد بحث نیروهای چپ برزیل است. هم اکنون بسیاری از افراد چپ، از اینکه لولا در چهارمین دوره کاندیداتوری خود و برای اینکه بتواند آرا بیشتری را کسب کند، از پاره بی از اصول قبلی خود روی گرداند، امری که به نظر آنها می تواند در آینده زیان بخش باشد، اظهار نگرانی می کنند.

رییس جمهوری جدید، از گفتار تا عمل

این حقیقتی است که، لولا با مشکلات و معضلات عمده اجتماعی و اقتصادی که به او ارث رسیده است، درگیر خواهد بود. رییس جمهوری قبلی، "کوردوس"، همه چیز را خصوصی کرد، پول کشور، "ژئال" را به دلار وابسته ساخت، بودجه های مربوط به خدمات عمومی را به شدت کاهش داد و وام های سنگین جدیدی را به اقتصاد کشور تحمیل کرد. در حالی که بر مقدار وام ها افزوده شد، دولت قبلی قدرت مانوری در رابطه با گرفتن مهلت برای بازپرداخت آنها نداشت. برزیل در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، از نظر اقتصادی، اجتماعی، در شرایط بحرانی، بغرض و رو به سقوط کامل به سر می برد.

به خطوط اساسی برنامه های رییس جمهوری جدید قبلاً اشاره شد. حال باید دید که او چگونه می تواند بر این مشکلات فایق آید؟ او باید با کنگره بی (مجلسی) کار کند که اکثریت ۵۱۳ کرسی آن در اختیار احزابی است که استخوان بندی ائتلاف "میانه" را تشکیل می دهند. این بدین معناست که لولا برای کسب اکثریت لازم (۲۵۷) باید قدرت را با این استخوان بندی تقسیم کند. در ایالات نیز وضع حزب کارگران بهتر از این نیست. در انتخابات جدیدی که در پاره بی از نقاط برگزار شد، حزب متاسفانه نتوانست وضع خود را بهبود بخشد. به این ها باید فشار مالکان بزرگ و کلان سرمایه داران داخلی را که از هم اکنون فشار خود را آغاز کرده اند، افزود. از لحاظ روابط اقتصادی و سیاسی با خارج از کشور نیز دولت جدید باید با فشار های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ایالات متحده آمریکا و دیگر دولت های بزرگ مقابله کند. میدان مانور برای دولت جدید بسیار تنگ است. بنا بر این، آن اهرم هایی که می تواند چرخ های اقتصاد کشور را به حرکت در آورد و به بخش های تولیدی، مطابق نظرات رهبران حزب کارگران، تحریک ببخشد، عبارتند از:

♦ تنظیم بودجه بی مترقی با هدف توزیع مجدد و عادلانه ثروت - این برای کشوری که یک درصد جمعیت آن ۳۵ درصد ثروت را در اختیار دارد امری است حیاتی؛

♦ اختصاص اعتبار به شرکت های بزرگ برای ساختمان واحد های مسکونی اجتماعی؛

♦ کوشش در جهت بهبود استخدام، افزایش صادرات و امثال آن.

مسیر رییس جمهوری جدید برای پیش برد برنامه هایش، که چندان رادیکال هم نیست، بسیار مشکل به نظر می رسد. زیرا او در معرض فشار غیر قابل تصویری از جانب بازارهای مالی قرار دارد. در چنین وضعی، او چه راهی را در پیش خواهد گرفت؟ سیاست مماشات؟ و یا اینکه او خواهد توانست با بهره گیری و تکیه بر نیروی عظیم توده های بی که به او اعتماد کرده اند، و با اتخاذ یک سیاست حساب شده، قاطع و مترقی، گام به گام به پیش برود و انتظارات توده ها را بر آورده سازد. آینده نشان خواهد داد که آیا لولا به پلانترم انتخاباتی و پیشینه طبقاتی خود وفادار خواهد ماند و یا اینکه کوشش خود را متوجه جلب نظر مساعد سرمایه داری خواهد کرد. در هر صورت، نباید شکست بی سابقه نیرو های طرفدار نو لیبرالیسم و جهانی شدن در آمریکای لاتین را در جریان انتخابات ریاست جمهوری برزیل مورد تردید قرار داد.

## انتخابات در ترکیه

در انتخابات ترکیه، در هفته گذشته، همان گونه که پیش بینی می شد، حزب "عدالت و توسعه" ترکیه، با بهره جویی از خلاء سیاسی ایجاد شده به دلیل بی لیاقتی و فساد احزاب سنتی قانونی و محدودیت شدید و تضییقات برضد نیروهای چپ، با به دست آوردن ۳۵ درصد آراء و با اختلافی فاحش نسبت به سایر رقبای خود، به پیروزی رسید. حزب "جمهوری خواه خلق" نیز با به دست آوردن ۱۹،۵ درصد آراء صاحب ۱۷۹ کرسی مجلس شد. هیچ حزب دیگری نتوانست به حد نصاب لازم ۱۰ درصد برای ورود به مجلس، دست یابد. حزب "توسعه و عدالت" با این پیروزی صاحب ۳۶۱ کرسی شد که با این وضع می تواند قوانین لازم را به تنهایی به تصویب برساند. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گریبان گیر ترکیه است، و سیاست های ضد مردمی دولت اجویت، اوضاع اقتصادی این کشور را به ورشکستگی توأم با بدهی های سنگین خارجی کشانده است. این انتخابات، از سوی برخی از رسانه های امپریالیستی، به دلیل شرکت نیروهای چپ و هوادار کردها، به عنوان "دموکراتیک" ترین انتخابات تاریخ ترکیه نامیده شد. در حالی که شرکت این احزاب و گروه ها بسیار محدود بود و اجازه فعالیت آن همدست بسیار کوتاهی قبل از انتخابات داده شد. بسیاری از افراد مترقی و اعضا و هواداران گروه های سیاسی چپ و هواداران کردها، سال های طولانی است که به جرم "به خطر انداختن امنیت ملی" تحت شکنجه های قرون وسطایی، در زندان های ترکیه به سر می برند (سال گذشته ده ها نفر از زندانیان سیاسی، به دلیل شرایط غیر انسانی زندان های این کشور، دست به اعتصاب غذا زدند و بر اثر آن جان سپردند) بدون آنکه دولت توجهی به شرایط زندان آن ها و خواسته های قانونی آن ها بکند.

انتخابات ترکیه و کسب اکثریت آرا توسط حزب "توسعه و عدالت" نه در تایید سیاست های این حزب جدید التاسیس، بلکه در درجه اول اعتراف ضعیف برضد سیاست های دولت اجویت و دولت های بی کفایت حاکم در بیش از دو دهه اخیر بود. دولت هایی که با اتکا بر سیاست های تعیین شده از سوی آمریکا و صندوق بین المللی پول، مملکتی ورشکسته با بدهی های

## «نه» پرشکوه مردم برزیل، به لیبرالیسم نو و جهانی شدن

پیروزی کاندیدای چپ در انتخابات ریاست جمهوری برزیل، نماینده عزم زحمتکشان برزیل برای خاتمه دادن به عواقب دردناک سرمایه داری و بحران اقتصادی - اجتماعی دهه های اخیر است. در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برزیل، در روز ۴ آبان، کاندیدای "حزب کارگران" برزیل، لوئیز ایناسیو لولا دی سیلوا، مشهور به "لولا"، با کسب بیش از ۶۱ درصد آرا، بر کاندیدای حزب سوسیال دموکرات، حزبی که در چهار سال اخیر قدرت را به دست داشته است، پیروز شد. این پیروزی به لحاظ رادیکالیسم بالقوه حزب کارگران برزیل، شکست کوشش های ماه های اخیر دولت ایالات متحده در مانعیت از پیروزی لولا، و نتایج احتمالی چنین نتیجه ای در موازنه نیروها در آمریکای لاتین، حائز اهمیت فراوان است. در هفته های قبل از انتخابات، ایالات متحده چندین تن از مسئولان مهم دولتی خود را برای بررسی شرایط، راه ها و شیوه های لازم در جهت کنترل نتیجه انتخابات به برزیل گسیل کرد. سیاستگذاران اصلی ایالات متحده، علناً مطرح می کردند که، این کشور نمی تواند نسبت به انتخابات برزیل بی تفاوت باشد، و این انتخابات باید تامین کننده نظر آمریکا باشد تا این کشور بتواند سیاست های جهانی خود را بر این نیم کره نیز تحمیل کند.

به لحاظ سابقه تاریخی، و در مقایسه با دیگر احزاب سیاسی برزیل، حزب "کارگران" که جوان ترین حزب سیاسی کشور است، در سال های اخیر مورد استقبال و حمایت توده های زحمتکش قرار گرفته است. حزب "کارگران"، ۲۲ سال پیش در حومه بخش صنعتی شهر "سائو پولو"، که صنایع بزرگ در آنجا متمرکز شده است و منطقه ای که صحنه اعتصاب های بزرگ کارگری در سال های پایانی دهه هفتاد، در زمان دیکتاتوری نظامیان بود، و بر پایه ارتباط قدرتمند با اتحادیه های کارگری کشور، پا به عرصه وجود گذاشت. موضوع تشکیل یک حزب کارگری، در سال ۱۹۷۸، در ساختار های سندیکایی کارگران صنایع فولاد، مورد بحث قرار گرفت، و در جریان نهمین کنگره کارگران فولاد، در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹، تصمیم نهایی به پایه گذاری حزب گرفته شد. چند ماه پس از آن، با انتشار یک منشور اولیه، و به دنبال آن، یک بیانیه سیاسی، و به دنبال یک دوره چند ماهه بحث بین سندیکا ها، رجال سیاسی، روشنفکران و دانشجویان، در ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، حزب جدید رسماً تأسیس شد. این حقیقتی است که، "حزب کارگران" در تمامی این دوره ۲۲ ساله موجودیت سیاسی، توانسته است نفوذ خود را گسترش داده، در کلیه مبارزات سیاسی، اجتماعی و صنفی شرکت کند، و با "جنبش دهقانان بی زمین" روابط بسیار نزدیکی را به وجود آورد. حزب "کارگران" قدم به قدم، با کسب موفقیت در انتخابات محلی، منطقه ای و سراسری گوناگون توانست تجربیات فراوانی را در اداره حکومت های محلی کسب کند. در حالی که این حزب در سال ۱۹۸۰ فقط دو شهردار و چند عضو شورای شهر داشت، پس از بیست سال، تعداد شهرداری های تحت کنترل آن به ۱۸۵ رسیده، و در سال ۲۰۰۰، در انتخابات شهر "سائوپولو" به پیروزی رسید. حزب "کارگران" همچنین در پنج ایالت برزیل کنترل دولت های محلی را در دست گرفت. در سال ۱۹۹۷، کاندیدای حزب به فرمانداری ایالت "دیو گراند دو سول" انتخاب شد. عملکرد حزب کارگران در نحوه اداره این ایالت نمونه ای برجسته و موفق از مدیریت جامعه با مشارکت توده ها به حساب می آید. باید متذکر شد که، مرکز این ایالت، شهر "پورتو آلگره" است که در سراسر جهان به دلیل برگزاری دو گردهمایی اجتماعی و به سبب اینکه رسماً به مرکز دائمی این گردهمایی ها مبدل شده، شهرت یافته است. در انتخابات سال ۱۹۹۸، حزب "کارگران" برزیل موفق شد ۵۹ کرسی نمایندگی در مجلس فدرال، هشت کرسی مجلس سنا و ۹۰ کرسی نمایندگی در مجلس های محلی را در دست بگیرد. رئیس جمهوری جدید، "لولا"، در سال های ۱۹۸۹، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ نیز با سمبل ستاره سرخ پنج پر، آرم حزب "کارگران"، در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شده بود، و بر رغم آراء قابل توجه، موفق به پیروزی قطعی نشده بود.

### بحران سرمایه داری و برزیل!

برزیل در حال حاضر، از نظر تولید، ناخالص ملی، مقام یازدهم جهان را داراست، در

حالی که این کشور در سال ۱۹۹۸ مقام هشتم را در رده بندی اقتصادی جهان داشت. در سال های اخیر، برزیل به لحاظ اقتصادی در شرایطی بحرانی و ناپایدار قرار داشته است. برزیل تولید کننده نفت، سازنده موتورهای هواپیما و دارای صنایع رو به رشد است، و یک قدرت قابل ملاحظه اقتصادی به حساب می آید. ولی سیستم اقتصادی این کشور، به همراه همسایه های آن، آرژانتین، اروگوئه و حتی بولیوی، در چنگال یک بحران وخیم، بحرانی که عملاً بخش جنوبی قاره آمریکا را فلج کرده، گرفتار بوده است. سال گذشته، پس از آنکه آرژانتین در نتیجه بحران دچار بی ثباتی بی سابقه سیاسی شد، صندوق بین المللی پول به عنوان "تاجی وارد عمل شد تا بحرانی را که خود در سراسر آمریکای لاتین به وجود آورده است، تخفیف دهد. از آن جمله، در آغاز سپتامبر، با دادن وام جدیدی به مبلغ سی میلیارد دلار موافقت کرد. بدهی های خارجی برزیل، در حال حاضر، ۳۵۰ میلیارد دلار است. بر اثر عمیق تر شدن بحران اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۱، و بحران مالی فراگیر در برزیل، ارزش پول این کشور - "رئال" - ۴۰ درصد کاهش یافت. برزیل از یک سو به سبب بدهی های سنگین خارجی، و از سوی دیگر به دلیل وابستگی تولیدات کشاورزی و صنایع دستی خود به بازار کشورهای ثروتمند - بازارهای اروپایی و آمریکای شمالی - توانایی سازمان دهی تغییرات جدی در سیستم اقتصادی خود و جلوگیری از بسط بحران اقتصادی جهانی به این کشور را ندارد. به عنوان مثال، مقررات گمرکی جدید ایالات متحده در رابطه با فولاد، باعث منهدم شدن صنایع "سائو پولو" شده است. ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی داخلی برزیل منبعث از صادرات است. برزیل نیز مانند اروگوئه، قربانی سرایت آثار مهلک بحران اقتصادی آرژانتین بوده است. اقتصاد های برزیل، آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه، همگی، در چارچوب قرارداد "مرروسور" (merrosur)، با هم مرتبطند. قرارداد "مرروسور" که یکی از قراردادهای نابرابر جهان است، نوعی بازار مشترک بین این چهار کشور برقرار کرده است. بر اساس آمار رسمی، بین سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲، درصد بیکاری به ۲۴ درصد رسیده است. این در حالی است که توده کثیری از مردم برزیل با پذیرش شرایط "کار سیاه" و اشتغال به کارهای کاذب، در لیست بیکاران قرار نمی گیرند. بیش از یک پنجم برزیلی ها با در آمد ماهانه ای برابر با ۲۰۰ رئال (حدود ۵۵ دلار) زندگی می کنند. اصلاحات ارضی و تقسیم مجدد زمین، که مورد درخواست صدها هزار خانواده است، تاکنون به اجرا در نیامده است، در حالی که جنبش کارگران کشاورزی (جنبش بی زمینان)، که از حامیان فعال لولا هستند، درخواست می کنند که حداقل زمین هایی که توسط مالکان بزرگ متروک و بدون استفاده مانده اند، در اختیارشان قرار بگیرد. بیکاری، عدم امنیت، فقر و مساله عدالت اجتماعی، از جمله معضلاتی هستند که حتی کنششان برزیلی عضو "سازمان کنفرانس ملی" را بر انگیزخته تا یک سند هفت صفحه ای برای جلب توجه کاتولیک ها و دیگر شهروندان، در اختیار کاندیداها بگذارد. گرچه برزیل از لحاظ اقتصادی مرتبه یازدهم را در دنیا داراست، ولی از لحاظ شرایط کیفی زندگی شهروندان در مرحله ۶۲ توسعه یافتگی، پس از ازبکستان و فیلیپین، قرار دارد.

### برنامه رییس جمهوری جدید!

اساسی ترین هدف اعلام شده از طرف "لولا" متوجه تامین یک رشد توانمند اقتصادی است، تا کشور کمتر به خارج وابسته بوده، و توان پاسخ دهی به نیاز های اساسی یک جمعیت ۱۷۰ میلیونی را داشته باشد. در حال حاضر، بر اساس اطلاعات مشخص، ۵۴ میلیون نفر از مردم برزیل در زیر خط فقر زندگی می کنند. خطوط اساسی چنین برنامه ای به قرار زیر است:

- اقتصادی:

به حرکت در آوردن چرخ تولید اقتصادی با گسترش بازار داخلی از طریق تقویت بخش تولیدی، تقویت صادرات، به حرکت در آوردن کلیه وسایل و امکانات موجود برای توسعه عرضه کالا های تولیدی صنعتی و کشاورزی از طریق توسعه خدمات عمومی، افزایش نقش نظم دهی و برنامه ریزی دولت، تاکید بر دقت در تنظیم بودجه و امور مالی و کنترل تورم، و نیز احترام به قرارداد ها و تعهدات بین المللی.

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 647**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 November 2002

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک